

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۲

سطح ۲

درس ۳۵

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای جمالی

**مقدمه**

در درس گذشته و در ادامه شرایط صحت روزه بیان شد، اگر مسافری قبل از زوال به وطن برسد و افطار نکرده باشد، باید روزه خودش را ادامه دهد و نیز با به توجه به روایات، بیماری در صورتی که مستلزم ضرر باشد جواز افطار را در پی دارد و طبق نظر مصنف، همین مقدار که خوف ضرر احراز شود کافی است.

با پایان یافتن شرایط صحت روزه در این درس، وارد مباحث احکام عمومی روزه شده و به چند مطلب می‌پردازیم:  
الف) جایگاه عمد و غیر عمد در بحث مفطرات

ب) کفاره روزه

ج) مباحث مربوط به تردید در طلوع فجر و یا غروب آفتاب برای شخص روزه دار.

د) بررسی مسأله بقاء بر جنابت و وجوب قضا.

## متن عربي

## أحكام عامة للصوم

لا يتحقق الإفطار و وجوب القضاء بما سبق (في مفطرات الصوم) إلّا مع العمد و الاختيار- فيما عدا البقاء على الجنابة- بلا فرق بين رمضان و غيره.

و الجاهل بالمفطرية- كالعالم- عامد

و كفارة الإفطار مخيرة بين الخصال الثلاث؛ و العاجز يكفيه الاستغفار؛ و إذا تمكّن بعد ذلك وجبت عليه.

و الشاك في طلوع الفجر يجوز له البقاء على ارتكاب المفطر و لو انكشف طلوعه فعليه القضاء فقط مع عدم المراعاة؛ و لو بقي على حالة الشكّ فلا شيء عليه.

و الشاك في الغروب لا يجوز له ارتكاب المفطر، و لو فعل فعليه القضاء و الكفارة إلّا إذا اتّضح دخوله.

و القاصد لارتكاب المفطر بدون تحقّقه الفعلي يجب عليه القضاء فقط.

والمستند في ذلك:

١. اما اعتبار العمد في تحقّق الإفطار فقد علل بالقصور في المقتضى فان الاجتناب الوارد في صحيحة محمد بن مسلم المتقدمة: «لا يضرّ الصائم ما صنع إذا اجتنب ثلاث خصال: الطعام و الشراب، و النساء، و الارتماس في الماء»<sup>١</sup> صادق مع الارتكاب لا عن عمد.

و مع التنزل و تسليم تاممية المقتضى، فلا بد من رفع اليد عنه لصحيحة الحلبي عن ابي عبد الله عليه السلام: «رجل نسي فاكل و شرب ثم ذكر قال: لا يفطر، انما هو شى رزقه الله فليتم صومه»<sup>٢</sup> و غيرها؛ و بالتعليل يمكن التعدى الى غير الاكل و الشرب.

بل يمكن استفادة ذلك ايضا من قاعدة: «كل ما غلب الله عليه فليس على صاحبه شيء» المنصوص عليها في أكثر من حديث<sup>٣</sup>.

و هكذا يمكن التمسك بحديث «رفع النسيان»<sup>٤</sup> بناء على عدم اختصاصه برفع العقوبة الاخرية.

٢. و اما استثناء البقاء على الجنابة فلو جوب القضاء في النوم الثانية لصحيح معاوية بن عمّار: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الرجل يجنب في أوّل الليل ثم ينام حتى يصبح في شهر رمضان. قال: ليس عليه شيء. قلت: فإنّه استيقظ ثم نام حتى أصبح، قال: فليقض ذلك اليوم عقوبة»<sup>٥</sup>.

١. وسائل الشيعة: باب ١ من ابواب من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ١.

٢. وسايل الشيعة باب ٩ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ١.

٣. وسائل الشيعة، باب ٢٤، من ابواب من يصح منه الصوم.

٤. وسائل الشيعة، باب ٥٦ من ابواب جهاد النفس، حديث ١.

٥. وسائل الشيعة، باب ١٥ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ١.

۳. و اما عدم الفرق بين رمضان و غيره فإطلاق صحيحة الحلبي المتقدمة و غيرها، و لا يضر اختصاص بعض النصوص بـرمضان.

۴. و اما ان الجاهل بالمفطرة كالعالم فعَلَّ بأنّه عامد و قاصد غايته لا يعلم بالمفطرة فتشمله اطلاقات أدلة المفطرة.

## احکام عمومی روزه

در بحث احکام عمومی روزه چند مسأله عنوان می‌شود:

### اختصاص وجوب قضا به بطلان عمدی

۱. افطار و وجوب قضا در صورتی بر انسان واجب می‌شود که از روی عمد و اختیار روزه را باطل نماید و تفاوتی ندارد که در ماه رمضان باشد یا در غیر ماه رمضان باشد؛ بنابراین اگر مبطلی را از روی فراموشی انجام دهد روزه-اش باطل نمی‌شود و فقط یک مورد در صورت غیر عمد استثنا شده و آن کسی است که در شب، جنب شده و بدون غسل خوابیده و بیدار شده<sup>۱</sup> و بدون غسل دوباره خوابیده و زمانی بیدار شده که اذان صبح شده است، این شخص روزه‌اش صحیح نیست؛ علی‌رغم این که عمدی هم در کار نبوده است.<sup>۲</sup>

### افطار با جهل به مفطرت شیء

۲. اگر کسی به مبطل بودن عملی جاهل باشد و آن عمل را انجام دهد، روزه آن روزش باطل می‌شود. به عبارت دیگر حکم تکلیفی - حرمت - ندارد، اما حکم وضعی برای عملش مترتب است؛ مثل این که نسبت به مبطل بودن چیزی شک دارد و در عین حال آن را می‌خورد، در این صورت گرچه کفاره ندارد اما روزه‌اش باطل می‌شود.

### کفاره افطار عمدی

۳. اگر کسی مبطلی را انجام داد در کفاره مخیر است بین این که یا بنده آزاد کند یا شصت روز روزه بگیرد یا شصت فقیر را اطعام کند و اگر کسی هیچ یک از این سه را تمکن نداشته باشد باید استغفار کند و اگر بعداً برایش تمکن و توانایی حاصل شود، باید کفاره آن روزه را هر مقدار که هست بدهد.

### شک در دخول وقت صبح و مغرب

۴. کسی که شک دارد اذان صبح شده یا نه، می‌تواند مبطلات را انجام دهد، اما اگر بعداً متوجه شود و یقین پیدا کند که اذان صبح شده بوده، در اینجا باید قضایش را به جا آورد، گرچه کفاره بر او واجب نیست. اما اگر نفهمید موقعی که شک داشته و خورده، آیا اذان صبح شده بود یا نه، در این مورد روزه‌اش صحیح و قضای آن لازم نیست. اما اگر در خصوص مغرب شک دارد که مغرب شده یا نه؛ حق ندارد که مبطل روزه را انجام دهد و اگر یکی از مبطلات را عمداً انجام دهد، نه تنها باید قضایش را به جا آورد، بلکه کفاره نیز بر او واجب می‌شود. اما اگر شک

<sup>۱</sup>. کسی که در شب ماه رمضان جنب است و احتمال می‌دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و با این تصمیم برای بار اول بخوابد و تا اذان صبح خواب بماند، روزه‌اش صحیح است و قضا و کفاره ندارد.

<sup>۲</sup>. کسی که در شب ماه رمضان جنب باشد و بخوابد و بیدار شود، اگر به واسطه عادت به بیدار شدن قبل از طلوع فجر، احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه دوباره بخوابد و تا طلوع فجر بیدار نشود، باید روزه آن روز را قضا کند و کفاره بر او واجب نیست و اگر عادتش بیدار شدن قبل از اذان صبح نباشد و احتمال بیدار شدن به جهت دیگر هم ندهد، نباید بدون غسل بخوابد و چنانچه پیش از غسل، دوباره بخوابد و تا طلوع فجر بیدار نشود؛ روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره هم دارد.

داشت و افطار کرد و بعداً معلوم شد که زمان مغرب فرا رسیده بوده و افطار کرده، در این جا در واقع تجری<sup>۱</sup> کرده است و در این صورت روزه اش صحیح است و قضا و كفاره بر او واجب نیست.

### نیت امساک

۵. اگر کسی تصمیم جدی بگیرد و اراده کند مبطلی را انجام دهد و بعد منصرف شود باید قضای آنروز را به جا آورد هر چند هیچ یک از مبطلات را انجام ندهد پس صرف قصد بطلان روزه باعث وجوب قضا می شود گرچه كفاره لازم نیست.

### تطبيق

#### أحكام عامة للصوم

لا يتحقق الإفطار و وجوب القضاء بما سبق (في مفطرات الصوم) إلا مع العمد و الاختيار - فيما عدا البقاء على الجنابة - بلا فرق بين رمضان و غيره.

بطلان و وجوب قضای روزه با چیزهایی که در مفطرات روزه ذکر شده، مانند خوردن و آشامیدن و... محقق نمی شود، مگر این که روزه دار در ارتکاب آن ها اختیار داشته و تعمداً انجام داده باشد - بجز بقاء بر جنابت<sup>۲</sup> که اختیار و عمد در آن شرط نیست - و هیچ فرقی نمی کند که در ماه رمضان باشد یا غیر ماه رمضان.

#### و الجاهل بالمفطرة - كالعالم - عامد

جاهل به مبطلیت - مانند عالم - مختار و عامد است.

و كفارة الإفطار مخيرة بين الخصال الثلاث؛ و العاجز يكفيه الاستغفار؛ و إذا تمكّن بعد ذلك وجبت عليه.

۱. تجری: مخالفت عملی با حکم الزامی مولا به زعم فاعل؛ بدون آن که در واقع مخالفتی صورت گرفته باشد. تجری در اصطلاح عبارت است از مخالفت عملی با حکم الزامی مولا اعم از واجب یا حرام به اعتقاد انجام دهنده؛ در حالی که پندار وی برخلاف واقع بوده و در حقیقت مخالفتی صورت نگرفته است، مانند کسی که آب را به گمان شراب بودن بنوشد، سپس معلوم گردد که آن مایع، آب بوده است نه شراب.

با این تعریف، فرق تجری و معصیت حقیقی روشن شد. معصیت اقدام بر مخالفت مولا است که برحسب واقع نیز مخالفت صورت گرفته باشد، مانند نوشیدن شراب با علم به شراب بودن آن.

البته تجری به مفهوم لغوی - که عبارت است از جرأت بر مولا؛ خواه در واقع مخالفتی صورت گرفته باشد یا نه - اعم از معصیت است نه مابین با آن. این عنوان در اصول فقه، در مبحث قطع مورد بررسی قرار می گیرد. اشاره کوتاهی به حکم تجری و مباحث تجری می نمایم.

الف) حکم تجری: در این که تجری حرام است یا نه اختلاف است.

ب) مباحث تجری: در اصول فقه مباحث زیادی درباره تجری مطرح و محل بحث و اختلاف است، از جمله این که آیا تجری عنوانی است منطبق بر اراده متجری که در نتیجه از افعال قلبی - به معنای عزم بر گناه و تصمیم بر مخالفت با مولا همراه با عملی که گناه بودن آن از نظر متجری قطعی است - به شمار می رود یا عنوان منطبق بر فعل خارجی است که در نتیجه از افعال جوارحی محسوب شده و به معنای ارتکاب عملی، با اعتقاد به مخالفت آن با مولا است؟ قبیح تجری بنا بر اول، فاعلی و بنا بر دوم، فعلی است و نیز این بحث که آیا قبیح عقلی تجری مستلزم حرمت شرعی و استحقاق عقاب است یا نه؟ «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل البیت، ج ۲ ص ۳۶۰».

۲. جنابت: در لغت به معنای دوری و تباعد است و اصطلاحاً حالتی است که با بیرون آمدن منی با شهوت، یا حیض یا نفاس ناشی می شود.

و در کفاره افطار بین سه چیز مخیر است، ولی اگر نتواند هیچ یک از آنها را بدهد، باید استغفار کند و اگر بعداً تمکن حاصل شود و بتواند انجام دهد، کفاره بر او واجب می‌شود.

و الشاک فی طلوع الفجر يجوز له البقاء علی ارتکاب المفطر و لو انكشف طلوعه فعليه القضاء فقط مع عدم المراعاة؛ و لو بقى علی حالة الشک فلا شیء علیه.

اگر کسی در طلوع فجر شک کند؛ جایز است مفطرات روزه را انجام دهد و اگر بعد از انجام عمل برای او روشن شود که فجر طلوع کرده، فقط قضا بر عهده اوست؛ اگر چه مراعات نکرده باشد ولی اگر بر حالت شک باقی بماند (شک او به یقین تبدیل نشود) چیزی به عهده او نیست.

و الشاک فی الغروب لا يجوز له ارتکاب المفطر، و لو فعل فعليه القضاء و الکفارة إلّا إذا اتّضح دخوله.

اگر کسی شک کند که غروب محقق شده یا نه، نمی‌تواند مبطلات روزه را انجام دهد و اگر انجام دهد بر او قضا و کفاره واجب می‌شود، مگر این‌که روشن شود غروب داخل شده است (که در آن صورت ارتکاب مفطر مضر نمی‌باشد).

و القاصد لارتکاب المفطر بدون تحقّقه الفعلى يجب علیه القضاء فقط.

اگر کسی قصد کند که مبطلات روزه را انجام دهد، قضای روزه بر او واجب است؛ گرچه عمل مبطل روزه را انجام نداده باشد.

SCO۱ : ۱۰ : ۲۵

## مستند مسائل پیش گفته

### ادله عدم بطلان روزه در فرض افطار سهوی

۱. گفتیم که افطار عمدی روزه را باطل می‌کند، اما کسی که سهوا و از روی اشتباه افطار کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود به دلیل این‌که:

دلیل اول: از ادله بیشتر از افطار عمد چیزی استفاده نمی‌شود؛ زیرا در صحیح محمد بن مسلم امام فرمود: «لا یضر الصائم ما صنع اذا اجتنب ثلاث خصال: الطعام و الشراب و النساء و الارتماس فی الماء» یعنی «بر روزه روزه‌دار چیزی ضرر نمی‌رساند، اگر اجتناب کند از سه صفت: خوردن و آشامیدن، زنها و فرو بردن تمام سر در آب». سؤال این است که کلمه «اذا اجتنب» ظهور در چه دارد؟ آیا زمانی که شخص، سهوا چیزی را بخورد یا بیاشامد می‌توان گفت که اجتناب نکرده است؟ روشن است که نمی‌توان این لفظ را درباره او به کار برد؛ و اگر بگویید که نمی‌دانیم بر خوردن یا آشامیدن از روی سهو، عدم اجتناب صدق می‌کند یا نه، در جواب می‌گوییم: بر فرض که چنین باشد شک می‌کنیم و اصل برائت جاری می‌شود و روزه ما صحیح است.

دلیل دوم: بر فرض که کوتاه بیاییم و بپذیریم که دلیل، بر نهی نیز دلالت می‌کند، می‌گوییم: در خصوص اکل و شرب روایت داریم که «شخصی که فراموش کرده و شروع به خوردن و آشامیدن کرد» و بعد متوجه شده که روزه

است. امام فرمود: «مانعی ندارد. این، غذایی بوده که خدا نصیبش کرده است»؛ لذا خوردن و آشامیدن سهوی مبطل نیست.

اشکال: این روایت در خصوص اکل و شرب است، در حالی که مبطلات منحصر به اکل و شرب نیست و مبطلات دیگری مثل جماع و سر زیر آب بردن نیز وجود دارد.

پاسخ: در روایت آمده این روزی بوده که خدا نصیبش کرده است؛ لذا اگر سایر مبطلات را نیز سهوا انجام دهد، گفته می‌شود که سایر مبطلات هم چیزی بوده که خدا نصیب این شخص نموده و روزه‌اش باطل نیست.

دلیل سوم: دلیل دیگر این‌که می‌توان از برخی از روایات، قاعده‌ای کلی را استفاده کرد و آن این‌که هرگاه اختیار از انسان سلب شود، چیزی بر عهده انسان نیست و تکلیفی ندارد و این قاعده می‌تواند در باب صوم نیز استفاده شود، یعنی اگر در حالت نسیان چیزی از مبطلات را انجام دهد، این مصداق همان قاعده است که تکلیفی ندارد و لذا صومش صحیح می‌باشد.

دلیل چهارم: می‌توان از حدیث رفع استفاده کرد؛ زیرا می‌گوید: از امت من برداشته شده است... چیزی که نمی‌داند و نیز چیزی که فراموش کرده است. حدیث رفع می‌گوید که اگر از روی فراموشی چیزی از مبطلات روزه را انجام دادی چیزی بر تو نیست.

اشکال: حدیث رفع به حکم تکلیفی<sup>۱</sup> اختصاص دارد و حکم وضعی بطلان را شامل نمی‌شود.

پاسخ: قبلاً ثابت کردیم که حدیث رفع هم شامل حکم تکلیفی می‌شود و هم حکم وضعی.

خلاصه: انجام مبطلات روزه از روی سهو و نسیان موجب بطلان روزه نمی‌شود.<sup>۲</sup>

## تطبیق

والمستند فی ذلک:

۱- اما اعتبار العمد فی تحقق الافطار فقد علل بالقصور فی المقتضى فان الاجتناب الوارد فی صحیحة محمد بن مسلم المتقدمة: «لا یضر الصائم ما صنع إذا اجتنب ثلاث خصال: الطعام و الشراب، و النساء، و الارتماس فی الماء»<sup>۴</sup> صادق مع الارتکاب لا عن عمد.

<sup>۳</sup> و استناد به حدیث رفع مربوط به جایی است که رفع، اختصاص به رفع عذاب اخروی نباشد؛ زیرا اگر مراد از رفع، رفع عقوبت اخروی باشد، معنی روایت این گونه می‌شود که اگر افطار سهوی کرد در قیامت عذاب نمی‌شود و مانند کسی نیست که افطار عمدی می‌کند و این منافات ندارد که باید روزه‌اش را قضا کند؛ مانند زن شیر ده که اگر روزه ماه رمضان نگرفت در قیامت عذاب نمی‌شود، اما منافاتی ندارد که قضا بر او واجب باشد.

<sup>۴</sup> وسائل الشیعة: باب ۱ من ابواب من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۱.



اما مستند اعتبار عمدی بودن در تحقق افطار، قصور در مقتضی است (که شامل غیر عمد نمی‌شود)، زیرا اجتنابی که وارد شده در صحیحه محمد بن مسلم که گذشت، بر ارتکاب عمدی صادق است: «بر روزه روزه‌دار چیزی ضرر نمی‌رساند، اگر اجتناب کند از سه صفت: خوردن و آشامیدن و زنها و فروردن سر در آب».

و مع التنزل و تسلیم تمامیه المقتضی، فلا بد من رفع الید عنه لصحیحة الحلبي عن ابی عبد الله علیه السلام: «رجل نسی فاکل و شرب ثم ذکر قال: لا یفطر، انما هو شی رزقه الله فلیتم صومه»<sup>۱</sup> و غیرها؛ و بالتعلیل یمكن التعدی الی غیر الاکل و الشرب.

بر فرض که صحیحه محمد بن مسلم شامل ساهی نیز شود و مقتضی تمام باشد، به خاطر صحیحه حلبی از امام صادق علیه السلام - از صحیحه محمد بن مسلم رفع ید می‌کنیم که در آن آمده: «مردی فراموش کرد و غذا خورد و آب نوشید سپس به یاد آورد، امام فرمود: افطار نمی‌کند؛ آنچه خورده، رزقی بوده که خدا به او عطا کرده، پس روزه‌اش را کامل کند» و با تعلیل در حدیث می‌توان آن را به غیر از اکل و شرب نیز تعدی داد.

بل یمكن استفادة ذلك ایضا من قاعدة: «کل ما غلب الله علیه فلیس علی صاحبه شیء» المنصوص علیها فی اکثر من حدیث<sup>۲</sup>.

استفاده عدم افطار نیز از قاعده «هر آنچه که خداوند بر او مسلط کند، برای صاحب آن چیزی نیست» امکان دارد و این قاعده در بیشتر از یک حدیث روایت شده است.

و هكذا یمكن التمسک بحدیث «رفع النسیان» بناء علی عدم اختصاصه برفع العقوبة الاخریة.

و همچنین می‌توان به حدیث «رفع نسیان» تمسک کرد البته اگر قائل شویم که این رفع، رفع عذاب اخروی نمی‌باشد.

SCO۲ : ۲۰ : ۳۳

## خواب جنب

۲. شخصی که در شب ماه رمضان جنب شده، سپس خوابیده و بیدار شده و به جای این که غسل کند دوباره بخوابد؛ روایت صحیحه معاویة بن عمار، دلالت می‌کند بر این که اگر به خواب دوم رود و بیدار نشود باید قضای<sup>۳</sup> آن را بجا آورد.

سؤال: آیا بین ماه رمضان و غیر ماه رمضان در این حکم فرق وجود دارد یا نه؟ به عبارت دیگر این استثنا آیا مختص روزه ماه رمضان است یا شامل همه روزه‌ها می‌شود؟

۱. وسائل الشیعة باب ۹ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۱.

۲. وسائل الشیعة، باب ۲۴، من ابواب من یصح منه الصوم.

۳. قضا: انجام دادن مثل واجب، بعد از وقت آن برای جبران آنچه از دست رفته است؛ مانند قضای نماز و قضای دین که منظور پرداخت بدهی است.

پاسخ: اختصاصی به ماه رمضان ندارد و قید رمضان در آن نیامده است؛ و اگر در برخی از روایات، لفظ ماه رمضان وارد شده است گفته می‌شود این ذکر نام رمضان هیچ خصوصیتی<sup>۱</sup> ندارد و موجب نمی‌شود که حکم به ماه رمضان اختصاص یابد.

اگر شخص جاهل باشد که فلان شیء مبطل است یا نه و انجام دهد روزه‌اش صحیح نیست، زیرا او از روی قصد می‌خورد، پس روزه‌اش باطل است. البته در اینجا حکم تکلیفی و حرمت بر او جاری نمی‌شود ولی حکم وضعی بر جای خود باقی است؛ زیرا این شخص عمداً می‌خورد اما چون نمی‌داند که مبطل است یا نه، مرتکب حرام نشده است.

احکام عمومی روزه

قضا در صورتی است که از روی عمد و اختیار افطار کرده باشد.

روزه دار اگر نسبت به مفطری جاهل باشد، باید از آن اجتناب کند.

کسی که قدرت بر انجام کفاره ندارد، می‌تواند بجای آن استغفار کند اما اگر بعداً تمکن پیدا کند، باید کفاره را به جا آورد.

کسی که نسبت به غروب شک دارد، نمی‌تواند مفطری را انجام دهد.

کسی که نسبت به طلوع فجر شک دارد، می‌تواند مفطرات را انجام دهد.

بقاء بر جنابت بعد از خواب دوم، موجب قضا است.

### تطبیق

۲. و اما استثناء البقاء علی الجنابة فلو جوب القضاء فی النومة الثانية لصحیح معاوية بن عمّار: «قلت لأبی عبد الله علیه السلام: الرجل یجنب فی أوّل اللیل ثم ینام حتی یصبح فی شهر رمضان. قال: لیس علیه شیء. قلت: فإنّه استیقظ ثم نام حتی أصبح، قال: فلیقض ذلك الیوم عقوبة»<sup>۲</sup>.

و اما این که بقاء بر جنابت استثنا شده است به این که اگر بعد از بیداری دوباره بخوابد واجب است قضا کند به دلیل صحیح معاویه بن عمار است: «به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی اول شب جنب می‌شود، سپس می‌خوابد تا صبح در ماه رمضان، امام فرمود: بر او چیزی نیست، گفتم اگر بیدار شود و دوباره تا صبح بخوابد فرمود: مجازاتش این است که روزه آن روز را قضا کند».

۳. و اما عدم الفرق بین رمضان و غیره فإلّا تطلق صحیحة الحلبي المتقدّمة و غیرها، و لا یضر اختصاص بعض النصوص بر رمضان.

<sup>۱</sup> خصوصیت مورد: یک اصطلاح فقهی و اصولی است به معنای این که اگر در روایتی و یا آیه‌ای یک مفهومی تحت عنوان مثال آورده شده است، این مثال دخالتی در اصل حکم ندارد و خصوصیت ویژه‌ای برای حکم نیست، بلکه ممکن است در مثال دیگری نیز همان حکم جاری باشد.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، باب ۱۵ من ابواب ما یمسک عنه الصائم، حدیث ۱.

مستند این که بین روزه ماه رمضان و غیر آن فرقی نیست، اطلاق صحیحه حلبی است که گذشت؛ و این که در بعضی از روایات فقط رمضان آمده، ضرر نمی رساند<sup>۱</sup>.

۴. و اما ان الجاهل بالمفطرة كالعالم فعَلَّ بأنَّه عامد و قاصد غایته لا يعلم بالمفطرة فتشمله اطلاقات أدلة المفطرة.

دلیل این که جاهل به مبطل بودن، مانند عالم است این است که جاهل هم عامد است و هم قاصد و نهایت امر این است که جاهل، نمی داند که آن عمل مبطل است، پس اطلاقات مبطل روزه، شامل او نیز می شود.<sup>۲</sup>

SC03 : 27:17

---

<sup>۱</sup> مصنف به الغاء خصوصیت تمسک کرده است و الغای خصوصیت دائر مدار اطمینان است، یعنی اطمینان دارد بین روزه رمضان و غیر رمضان فرقی نیست.

<sup>۲</sup> مثلاً جاهل عمداً غذا می خورد اگر چه به مبطل بودن آن جاهل است.

## چکیده

۱. هر گاه مکلف با اختیار و اراده مفطر را انجام دهد، روزه‌اش باطل و وجوب قضا بر ذمه‌اش می‌آید.
۲. کسی که نسبت به برخی از مفطرات شک دارد و انجام دهد، مثل کسی است که با علم و اراده افطار کرده است.
۳. کسی که از عهده انجام دادن یکی از کفارات سه‌گانه بر نمی‌آید، کافی است که استغفار کند و اگر بعداً توانایی حاصل شد، کفاره بر ذمه او واجب می‌شود.
۴. کسی که نسبت به طلوع فجر شک دارد، می‌تواند مفطرات را انجام دهد و اگر بعداً مشخص شود که اذان گفته بودند لازم است که روزه آن روز را قضا کند.
۵. کسی که نسبت به غروب آفتاب شک دارد، نمی‌تواند افطار کند و اگر افطار کند قضا و کفاره بر ذمه او می‌آید، مگر این‌که بعداً مشخص شود که مغرب داخل شده بوده است.
۶. کسی که نیت و اراده کند که روزه‌اش را افطار کند، گرچه مفطری انجام ندهد، باید قضای آن روز را بگیرد و مستند این حکم چنان‌که بعداً خواهد آمد این است که نیت روزه باید پیوسته باشد.
۷. شخصی که جنب است و در شب رمضان یا غیر رمضان برای بار دوم می‌خواهد واجب است روزه آن روز را قضا کند و مستند آن صحیح‌ه معاویه بن عمار است.